

بررسی اشتراکات و افتراقات تدابیر مقابله با خشونت اقتصادی علیه زن

در اسلام و اسناد بین‌المللی

امیر وطنی^۱، فرید محسنی^۲، زهرا سادات غمامی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵

چکیده:

خشونت اقتصادی علیه زن، یکی از موضوعات مهم حقوق بشری است که اخیراً در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی کشورهای غربی برجسته شده است. در اسناد بین‌المللی جهت یکسان سازی و اجرای قوانین مقابله با خشونت اقتصادی تدابیر مشخصی لحاظ شده است. در این پژوهش تلاش می‌شود مفهوم خشونت اقتصادی علیه زن مورد بررسی قرار گیرد و اشتراکات و افتراقات تدابیر حقوقی مقابله با آن در اسناد بین‌المللی و آموزه‌های اسلام مقایسه و تحلیل گردد. این مهم، مدیران و تصمیم‌گیران کشور را برای سیاست‌گذاری هوشمندانه در مواجهه با موضوع خشونت اقتصادی و مواجهه با تحرکات نهادهای بین‌المللی در موضوع حقوق زن یاری خواهد کرد. نتایج پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، نشان می‌دهد مهمترین تدابیر اسناد بین‌المللی در موضوع مقابله با خشونت اقتصادی علیه زن نظیر حق مالکیت و حق دسترسی به منابع اقتصادی در اسلام هزار سال پیش از تصویب اسناد بین‌المللی لحاظ شده است و علاوه بر این موارد، تدابیری نظیر نفقه، اجرت‌المثل و مهریه نیز در حمایت اقتصادی از زن در نظر گرفته شده است. تدابیر اسناد بین‌المللی در جهت تساوی حقوق زن و مرد تنظیم شده در حالیکه در اسلام تناسب حقوق زن و مرد بر اساس تفاوت‌های جسمی و روحی و با حفظ کیان و مصالح خانواده مدنظر است.

واژگان اصلی: خشونت اقتصادی، زن، خانواده، اسلام، اسناد بین‌المللی.

۱. استادیار، گروه حقوق جزا، دانشکده حقوق دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. استاد گروه حقوق جزا دانشکده حقوق دانشگاه علوم قضایی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا دانشکده حقوق دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

در خشونت علیه زنان در دهه‌های اخیر به یکی از موضوعات مهم حقوق بشری تبدیل شده است. (مشهدی، ۱۴۰۰: ۱۹۶) در سال ۱۹۹۲ کمیته رفع تبعیض علیه زنان، در توصیه‌نامه کلی شماره ۱۹ با عنوان خشونت علیه زنان، خشونت مبتنی بر جنسیت، که بهره‌مندی زنان از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را بر اساس حقوق بین‌الملل کلی یا معاهدات حقوق بشری تضعیف یا باطل می‌سازد، نوعی تبعیض می‌شمارد. (General Recommendation No.19. Committee on the Elimination of Discrimination against Women, 1992: para 7) در کنفرانس جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۹۳ در وین برگزار شد، به طور رسمی خشونت علیه زنان به عنوان مصداق نقض حقوق بشر قرار گرفت.

با وجود این که مقابله با تمام اشکال خشونت دارای اهمیت است؛ اما بخش عمده اسناد بین‌المللی، پژوهش‌ها و مقالات با موضوع خشونت مبتنی بر جنسیت بر شقوق فیزیکی، جنسی و روانی خشونت متمرکز شده است و خشونت اقتصادی علیه زن، در ادبیات حقوق بین‌الملل و ایران، به ندرت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. خشونت اقتصادی اغلب در محدوده خشونت عاطفی یا روانی در نظر گرفته می‌شود؛ اما اخیراً محققان شروع به تعریف خشونت اقتصادی به عنوان یک شکل منحصر به فرد خشونت کرده‌اند (Stylianou, 2018: 10).

در اسناد بین‌المللی در ۲ دهه اخیر برای پرداختن به موضوع خشونت اقتصادی علیه زنان و اتخاذ تدابیر لازم برای همه کشورها جهت مقابله با آن، تلاش‌هایی صورت گرفته است. رویکرد اسناد بین‌المللی در این موضوع متأثر از مکتب فمینیسم و در جهت برابری کامل حقوق زن و مرد است. مکاتب غربی از جمله مکتب فمینیسم برای پیشگیری از اعمال خشونت بر زن، داعیه آزادی مطلق زن در دسترسی به کسب و کار، برابری در همه مسائل مالی و ... را دارند تا حدی که زن نیز همچون مرد در خانواده موظف به تأمین معیشت خود می‌باشد؛ بلکه زن در این راستا یعنی جهت اشتغال و تأمین مستقل اقتصادی خویش تشویق شده است؛ این در حالیست که در اسلام آزادی و برابری در شئون زن و مرد به طور مطلق مورد پذیرش نیست؛ بلکه هر دو مقید به مصالح و مسائلی متناسب با خصوصیات روحی و جسمی زن و مرد و حفظ رکن خانواده در جامعه شده است. به همین جهت، مکتب اسلام، علاوه بر برداشتن بار تأمین مالی از دوش زن، از دستاورد اقتصادی او، به طور مستقل حمایت می‌کند. (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۲۰) در آموزه‌های اسلام، سازهایی با کارکرد تأمین اقتصادی زنان و پیشگیری و مقابله با خشونت اقتصادی علیه زن وجود دارد که نفقه، مهریه، اجرت‌المثل، ارث و

حق استقلال اقتصادی زن از جمله مصادیق آن است. در اسلام حقوق زن و مرد الزاماً مساوی نیست اما متناسب است. به عبارت دیگر تفاوت‌هایی در حقوق زن و مرد متناسب با تفاوت‌های جسمی و روحی ایشان لحاظ شده و در واقع به جای برابری، برقراری عدالت، هدف تدابیر اسلام است. حضرت علی علیه‌السلام در حکمت ۴۳۷ نهج‌البلاغه فرموده اند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا: عدالت هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد.» (دشتی، ۱۳۸۲: ۳۵۸). ایشان در رابطه با عدل می‌فرمایند: «العدل حیات الاحکام: عدل، حیات احکام است.» (نوری، ۱۴۰۸: ۳۱۸) و «ثَبَاتُ الدُّوَلِ بِإِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ: پایداری دولت‌ها با برپایی سنت‌های عادلانه است.» (آمدی، ۱۳۸۱: ۳۹۷). اینکه چه تدابیری از سوی اسلام برای مقابله با خشونت اقتصادی لحاظ شده و چه اشتراکات و افتراقاتی با تدابیر اسناد بین‌المللی دارد سوال اصلی این پژوهش است که تلاش می‌شود با روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر داده‌های گردآوری شده به روش کتابخانه‌ای به آن پاسخ داده شود.

پیشینه پژوهش

خشونت علیه زن موضوع برخی تحقیقات و پژوهشها بوده و عمدتاً بر موارد جسمی، جنسی و تظاهرات روانشناختی متمرکز شده است. کمتر پژوهشی در موضوع خشونت اقتصادی صورت پذیرفته است و آن نیز به موضوع مفهوم و اقسام خشونت پرداخته است. اندک مقالات خارجی، موضوع آمار و مباحث جامعه‌شناختی پیرامون موضوع خشونت اقتصادی علیه زن را مورد بررسی قرار داده است. به برخی از پژوهشها در این زمینه اشاره می‌شود.

خانم الوفان میلایو در مقاله‌ای با عنوان "خشونت اقتصادی نسبت به زنان و دختران" خشونت اقتصادی و اقسام آن نظیر دسترسی به وجوه و اعتبار؛ کنترل دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، اشتغال، آموزش، منابع کشاورزی و قوانین سنتی تبعیض آمیز در مورد ارث، حقوق مالکیت را مورد بررسی جامعه‌شناختی قرار داده است (Olufunmilayo, 2008).

آتلا، موضوع خشونت اقتصادی علیه زنان را بر اساس نظرسنجی در ایالات متحده بررسی کرده است و نتیجه گرفته که خشونت اقتصادی مقدمه سایر انواع خشونت علیه زنان بوده است. (Outlaw, 2009).

سندرز انواع خشونت اقتصادی علیه زنان را واکاوی کرده و استقلال اقتصادی زنان را مولفه کلیدی در پیشگیری از خشونت مطرح کرده است (Sanders, 2015).

احسان یآوری (۱۳۹۵) در رساله دکتری با عنوان سیاست جنایی اسلام در صیانت از نهاد خانواده به مباحث سیاست جنایی اسلام در موضوع حمایت از خانواده پرداخته است و تدابیر اسلام را در سه دسته کیفری، قضایی و پیشگیرانه غیر کیفری و غیر قضایی احصا کرده است. بخشی از این تدابیر، حمایت مالی است که به مباحث کلی در رابطه با نفقه، مهریه و اجرت‌المثل پرداخته است. کاظمی (۱۳۸۷) حقوق مالی زن را در سه دسته مالکیت‌های اصلی و بالذات، مالکیت‌های تبعی و مالکیت‌های حمایتی بررسی و حق دریافت مهریه، اجرت‌المثل، حق سکنی و دریافت متاع به هنگام طلاق، نفقه در دوران عده و نیز حمایت‌های حکومت اسلامی از زنان در موارد خاص را که به منظور پیشگیری از فقر مالی و آسیب‌های روحی زنان است، از دیدگاه اسلام به بحث گذاشته است. همانطور که تبیین شد، در پژوهش‌های مختلف، موضوع خشونت علیه زن و حمایت اقتصادی از او مورد بررسی قرار گرفته است؛ ولی موضوع خشونت اقتصادی مورد بررسی و تحلیل حقوقی، علی‌الخصوص، از زاویه مبانی و آموزه‌های اسلام قرار نگرفته است.

۱- ادبیات موضوع

۱-۱- خشونت

خشونت را می‌توان عملی آسیب‌رسان دانست که فرد یا گروه برای پیشبرد مقاصد خود انجام می‌دهند. مرکز بهداشت جهانی خشونت را بدین صورت تعریف می‌کند: «استفاده عمدانه از نیروی جسمی یا قدرت، به صورت تهدیدآمیز یا واقعی، علیه خود، دیگری یا گروه یا جامعه‌ای که موجب آسیب، مرگ، آسیب روانی، عقب افتادگی رشد یا محرومیت می‌شود یا احتمال این رخدادها را بسیار بالا می‌برد.» (Violence and Health, 2002 World Report on)

از دهه ۱۹۷۰، تحقیقات مهم فمینیستی، شیوع خشونت علیه زنان هم در خانه و هم در جامعه را مورد توجه قرار داده‌اند و سیستم عدالت قضایی را تحت نفوذ پیش‌فرض‌های جنسیتی معرفی کرده‌اند. اصطلاح منع و پیشگیری از خشونت علیه زنان از این زمان توسط فمینیستها در قالب یک مطالبه حقوقی درآمد (Norton & Company Inc, 2009: 187). بنابراین اصطلاح خشونت علیه زنان در پژوهش‌های حقوقی، اولین بار در نظام حقوق جزایی کشورهای غربی مطرح شد. با توجه به اهمیت خشونت علیه زنان، از آغاز تاسیس سازمان ملل متحد در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵، ارتقای حقوق زنان و ایجاد فضای برابر برای آنان از اهم تلاش‌های سازمان ملل قرار گرفت. سند حقوق

بین‌المللی که به طور ویژه مبارزه با خشونت علیه زنان را هدف اصلی خود قرار داد اعلامیه رفع خشونت علیه زنان در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ بود که در طی قطعنامه ۴۸/۱۰۴ مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت. این قطعنامه در یکی از مواد خود به تعریف خشونت علیه زنان پرداخته است: «خشونت علیه زنان، پدیده‌ای است که در آن، زن به سبب جنسیت خود از سوی جنس مخالف، مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد. اگر این رفتار در چارچوب خانواده و میان زن و شوهر رخ دهد از آن به عنوان خشونت خانگی یاد می‌شود.»
<https://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/ViolenceAgainstWomen.aspx>.

۲-۱- خشونت اقتصادی

مرکز پایان به خشونت علیه زنان، وابسته به سازمان ملل، خشونت علیه زنان را در چهار قسم جسمی، جنسی، عاطفی و اقتصادی طبقه‌بندی می‌کند. (<https://www.endvawnow.org/en/articles/296-forms-of-violence-against-women>) خشونت اقتصادی یکی از اقسام خشونت است که علی‌رغم اینکه هم‌اکنون در جامعه و خانواده، به یک موضوع چالش‌برانگیز تبدیل شده است، در پژوهش‌های حقوقی کمتر مورد توجه قرار گرفته شده است. موسسه اروپایی برابری جنسیت در سال ۲۰۱۷ تعریفی از خشونت اقتصادی ارائه می‌دهد: «خشونت اقتصادی هر گونه رفتار و اقدام است که منجر به آسیب اقتصادی به فرد شود و برای مثال شامل آسیب به دارایی‌ها و اعمال محدودیت در دسترسی فرد بر منابع مالی، تحصیل و بازارهای کار، خدمات مراقبت‌های بهداشتی، انجام ندادن مسئولیت‌های مالی است» (<https://eige.europa.eu/thesaurus/terms/1096>) در تعریف ارائه شده توسط نهاد بین‌المللی برابری جنسیت و توانمندسازی زنان سازمان ملل متحد در ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰، خشونت اقتصادی، شامل ایجاد یا تلاش برای ایجاد وابستگی مالی شخص به وسیله کنترل کامل منابع مالی، جلوگیری از دسترسی به پول و منع از حضور در مدرسه یا کار است.

(<https://www.unwomen.org/en/what-we-do/ending-violence-against-women/faqs/types-of-violence>)

خانم الوفانمیلیانو در مقاله‌ای مصادیق خشونت اقتصادی را شامل موارد ذیل می‌داند: «دسترسی محدود به وجوه و اعتبار، کنترل دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، اشتغال، آموزش، تصمیم‌گیری مالی و قوانین سستی تبعیض آمیز در مورد ارث و حقوق

مالکیت، پاداش نابرابر به زنان در محل کار در قبال کار مساوی یا دستمزد کمتر به زنان در قبال کار بیشتر از مردان، به کارگیری زنان جهت کار بدون دستمزد یا کار خارج از توافق‌نامه قرارداد، رها کردن امرار معاش خانواده و ...». خشونت اقتصادی منجر به تعمیق فقر و از بین رفتن فرصت‌های آموزش و رشد برای زنان می‌شود. همچنین در مواردی، خشونت جسمی را به دنبال دارد؛ بهره‌برداری جنسی و خطر ابتلا به عفونت ایدز، بیماری مادر و مرگ و میر و قاچاق زنان و دختران از این جمله‌اند.» (Olufunmilayo, 2008: 2)

۲- تدابیر حقوقی اسناد بین‌المللی در مقابله با خشونت اقتصادی علیه زنان

در اسناد بین‌المللی مجموعه‌ای از تدابیر حقوقی جهت مقابله با خشونت اقتصادی علیه زنان اتخاذ شده است که در ۴ محور زیر می‌توان دسته‌بندی کرد.

۲-۱- جرم‌انگاری خشونت اقتصادی علیه زنان

قطعه‌نامه‌ی شماره ۱۹۹۱/۱۸ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل سال ۱۹۹۱ تمامی کشورها را ملزم کرد که به تقویت و اعمال قوانین در راستای ممنوعیت خشونت علیه زنان مبادرت ورزند. (The Economic and Social Council adopted resolution 1991/18 on violence against women in all its forms. پس از دو سال، مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب اعلامیه منع خشونت علیه زنان در سال ۱۹۹۳، در بند ج ماده ۴ این اعلامیه، کشورها را ملزم به در نظر گرفتن مجازات کیفری برای خشونت علیه زنان کرد. (The General Assembly adopted the Declaration on the Elimination of Violence against Women (resolution 48/104), 1993. در بازنگری برنامه عمل پکن در سال ۲۰۰۰ نیز از همه دولت‌ها خواسته شد که تمام تدابیر مقتضی برای رفع تبعیض و خشونت علیه زنان توسط هر شخص، سازمان یا نهادی را اتخاذ کنند و با تمام اشکال خشونت علیه زنان و دختران به عنوان جرایم کیفری برخورد کنند. در سال ۲۰۱۱، کنوانسیون شورای اروپا برای جلوگیری از وقوع خشونت علیه زنان کشورهای عضو را موظف کرد که هرگونه خشونت علیه زنان را در قانون کشور «جرم» نامیده و مجازات‌های لازم را برای مجرم پیش‌بینی و تصویب کنند.

(<https://www.coe.int/en/web/conventions/full-list//conventions/rms/090000168008482e>: Council of Europe Convention on preventing and combating violence against women and domestic violence Istanbul, 11.V.2011).

۲-۲- حق مالکیت

حق مالکیت مهمترین حق اقتصادی زنان است که در برخی از اسناد بین المللی به نحو صریح بر به رسمیت شناختن آن در جوامع تاکید شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ حقوق بنیادینی را که تمامی انسان‌ها بدون تمایز زن و مرد در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند را مشخص کرده است. ماده ۱۷ این سند، همه افراد را دارای حق مالکیت دانسته است. https://www.un.org/en/udhrbook/pdf/udhr_booklet_en_web.pdf در سال ۱۹۷۹ پیمان‌نامه منع تبعیض علیه زنان در بند ۱ ماده ۱۶، دولت‌ها را ملزم ساخت که حقوق یکسان برای زنان و مردان در مورد مالکیت، حق اکتساب، مدیریت، سرپرستی، بهره‌مندی و انتقال ملک را تضمین کنند. (<https://www.un.org/ruleoflaw/blog/document/convention-on-against-women/the-elimination-of-all-forms-of-discrimination>) حقوق اقتصادی زنان از جمله حق مالکیت به طور مفصل در برنامه عمل پکن سال ۱۹۹۵ شناسایی شد و مورد بررسی قرار گرفت. در برنامه عمل پکن، ۱۲ حوزه بحرانی که درخور اقدام سریع می‌باشند، شناسایی شد که یکی از این حوزه‌ها خشونت علیه زنان در دسترسی به منابع اقتصادی بود. در این سند، موضوع حق مالکیت زنان و دستیابی آنان به منابع ثروت، اهلیت کامل زن و تساوی او با مرد در کسب مال، انعقاد قرارداد و اداره اموال و تصرف در آن و صلاحیت تملک هر گونه مال همانند مرد مطرح شده است. در بند ب پاراگراف ۶۱ سند پکن، به منظور تضمین تساوی حقوق زنان در دسترسی به منابع اقتصادی آمده است: «دولت‌ها تعهد می‌کنند اصلاحات قانونی و اداری لازم را به عمل آورند و بر اساس آن به زنان حق کامل مساوی با مردان در دسترسی به منابع اقتصادی از جمله مالکیت، حق ارث، مالکیت زمین و دیگر اموال و معاملات اعتباری و منابع طبیعی بدهند.» (Report of the fourth world conference on women a/conf 177/20) در سال ۲۰۱۵، سند توسعه پایدار سازمان ملل، حق مالکیت برای زنان و مردان را برابر و تضمین شده خواسته است. در بند الف هدف پنجم این سند، به لزوم انجام اصلاحاتی برای برقراری تساوی حقوق زنان و مردان به منظور دسترسی زنان به منابع اقتصادی و امکان مالکیت و کنترل دارایی‌ها از قبیل زمین و سایر اشکال دارایی توسط آنان اشاره شده است. (sustainabledevelopment.un.org)

۲-۳- حق دسترسی به منابع و فرصتهای اقتصادی

بخشی از تدابیر اسناد بین المللی به موضوع حق دسترسی زنان به منابع و فرصتهای اقتصادی پرداخته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ (https://www.un.org/en/udhrbook/pdf/udhr_booklet_en_web.pdf) و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۶۶ بر برابری حقوق زنان و مردان در همه عرصه‌ها از جمله عرصه اقتصادی و اشتغال تأکید کردند. (<https://www.unic-ir.org/hr/convenant-ec.htm>) پیمان‌نامه منع تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۷۹ مصادیق گسترده‌تری از حقوق مالی برابر برای زنان را مطرح کرد و هر گونه تمایز یا محدودیت بر مبنای جنسیت از جمله در زمینه‌های اقتصادی و اشتغال را تبعیض و خشونت دانست و خواستار تساوی حقوقی میان زنان و مردان و دسترسی برابر همه اقشار جامعه به منابع، فرصتها و خدمات اقتصادی شد. (<https://www.un.org/ruleoflaw/blog/document/convention-on-the-elimination-of-all-forms-of-discrimination-against-women/>) با تصویب مقاله‌نامه ۱۵۶ مصوب ۱۹۸۱ با عنوان کارگران دارای مسئولیت‌های خانوادگی، کاهش حداکثری تعارض میان کار و مسئولیت‌های خانوادگی و ضرورت تساوی موقعیت و برخورد بین زن و مرد در بازار کار به طور فزاینده‌ای اهمیت یافت. (C156 Workers with Family Responsibilities Convention, International Labour Organization, 1981). کنفرانس پکن، در سال ۱۹۹۵، موضوع تبعیض و نادیده انگاشتن حق مالی زنان و دستیابی آنان به منابع ثروت را از مصادیق خشونت علیه زنان مطرح کرد و بر اهلیت کامل زن و تساوی او با مرد در کسب مال، انعقاد قرارداد، اداره اموال، تصرف در آن و صلاحیت تملک هر گونه مال همانند مرد تأکید کرد. در این کنفرانس توجهات به سمت مسئولیت دولت‌ها به اقدام جهت پیشگیری و رفع خشونت معطوف شد و در بند ب پاراگراف ۶۱ سند پکن، دولت‌ها به منظور تضمین تساوی حقوق زنان در دسترسی به منابع اقتصادی تعهد به تصویب یا اصلاح قوانین در این راستا از جمله در موارد مالکیت زمین و دیگر اموال و معاملات اعتباری و منابع طبیعی و تکنولوژی مناسب کردند. (Report of the fourth world conference on women a/conf 177/20)

بند اول هدف پنجم سند توسعه پایدار سازمان ملل سال ۲۰۱۵، تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان را مورد تضمین قرار داده است. در بند چهارم آن، به لزوم انجام اصلاحاتی برای برقراری تساوی حقوق زنان و مردان به منظور دسترسی زنان به منابع اقتصادی و امکان مالکیت و

کنترل دارایی‌ها از قبیل زمین و سایر اشکال دارایی توسط آنان و همچنین برقراری حق دسترسی زنان به ارثیه و منابع طبیعی در راستای قوانین ملی و اعطاء خدمات مالی از جمله وام‌های خود اشتغالی کوتاه مدت برای همه مردان و زنان تا سال ۲۰۳۰ اشاره شده است.

(sustainabledevelopment.un.org)

۲-۴ - حمایت‌های خاص (تبعیض مثبت)

در برخی موارد، اسناد بین‌المللی، در راستای حمایت از زنان در قبال خشونت علیه آنان، پا را از رویکرد برابری و تساوی انسان‌ها و حقوق آنها فراتر گذاشته و در شرایط خاص برای زنان، حمایت‌های ویژه در نظر گرفته است. (لاریجانی، ۱۴۰۱: ۳۱) در موضوع دسترسی به اشتغال در اسناد بین‌المللی، زنان شاغل که مسوولیت مادری را نیز به عهده دارند، در جهت انجام هر چه بهتر نقش اجتماعی، از پوشش حمایت‌های قانونی خاص در اسناد بین‌المللی برخوردار شده‌اند. (سیفی، ۱۴۰۰: ۱۵۸) کمیته منع تمام اشکال تبعیض علیه زنان در گزارش خود در خصوص کشور اسلوواکی اظهار داشت که کاهش خدمات مراقبت از کودک در سنین پیش‌دبستان مانع فرصت برابر زنان در اشتغال در بازار است (CEDAW Committee, 1997). همچنین این کمیته در گزارش خود به دولت نیوزیلند توصیه کرده است مادری را به عنوان یک عملکرد اجتماعی در نظر گیرد که نباید موجب ضرر به زنان در ارتباط با اشتغالشان گردد (CEDAW Committee, 1998). توصیه‌نامه ۱۲۳ با عنوان زنان با مسوولیت‌های خانوادگی در سال ۱۹۶۵ در راستای لزوم هماهنگی میان مسوولیت‌های دوگانه شغلی و خانوادگی، دولت‌ها را متعهد به ارائه تسهیلات و خدمات مناسب نگهداری کودک، اشتغال مجدد در صورت غیبت طولانی مدت از محیط کار ناشی از مسوولیت‌های خانوادگی یا مادری، ارائه خدمات ویژه همانند ایاب و ذهاب، هماهنگ‌سازی زمان کار و زمان مدارس و مهد کودک‌ها و ارائه کم‌هزینه تسهیلات جهت سبک کردن وظایف خانه‌داری دانست (R123 Employment Recommendation, 1965). پیمان‌نامه بین‌المللی رفع تبعیض علیه زنان مصوب سال ۱۹۷۹، در ماده ۱۱، بر رعایت حقوق مادران شاغل توسط دولت و منع اعمال تبعیض علیه آنان، با وضع تدابیری همچون منع اخراج به دلیل بارداری یا زایمان، اجازه مرخصی زایمان با حقوق یا مزایای اجتماعی مشابه بدون از دست دادن شغل قبل، ارائه خدمات حمایتی اجتماعی به ویژه از طریق ایجاد و توسعه شبکه تسهیلات مراقبتی از کودکان، برقراری حمایت خاص از زنان حین بارداری در انواع مشاغل زیان‌آور تأکید می‌کنند.

<https://www.un.org/ruleoflaw/blog/document/convention-on-the-elimination-of-all-forms-of-discrimination-against-women/>



نمودار شماره ۱: تدابیر حقوقی مقابله با خشونت اقتصادی علیه زن در اسناد بین‌المللی

۳- تدابیر حقوقی اسلام در مقابله با خشونت اقتصادی علیه زنان

در آموزه های اسلام، مباحث نفقه، اجرت‌المثل، مهریه، حق مالکیت و استقلال اقتصادی، حق دسترسی به منابع و فرصت های اقتصادی و اشتغال وجود دارد که می تواند به عنوان رفع و پیشگیری از خشونت اقتصادی زن مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱- نفقه

نفقه یکی از تکالیف مالی قطعی اسلام است که با هدف حمایت و تامین اقتصادی زوجه بر عهده زوج قرار میگیرد. برای تعریف نفقه زوجه، حقیقت شرعی وجود ندارد؛ بلکه شرع محدوده آن را به عرف واگذار کرده است (مغنیه، ۱۴۲۱ق: ۳۱۳). نفقه زن در صورت وجود شرایطی بر مرد واجب است و در اصل وجوب نفقه، بین فقهای اسلام اختلافی دیده نمی شود (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱: ۳۰۱). اکثر فقهای امامیه، ضابطه نفقه را در مقدار طعام، رفع گرسنگی؛ در نوع غذا، قوت غالب سرزمین محل سکونت زوجه یا عادت امثال او در سرزمین محل سکونتش؛ و در دیگر موارد نفقه - به جز خادم که یکی کافی است - عادت امثال زوجه در سرزمین محل سکونتش می دانند. (مغنیه، ۱۴۲۱ق: ۳۹۲؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ۳۳۳) آیاتی چون «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» و «فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» (بقره: ۲۲۹) نیز مؤید عرفی بودن نفقه است. بنابراین مصادیق

و میزان نفقه متغیر است و ملاک آن برای زوج، عادت زنان امثال زوجه در محل سکونت اوست. همچنین نفقه به تمامی زنان متأهل تعلق می‌گیرد؛ چه فقیر باشد یا غنی، باز هم مستحق نفقه است. در مکاتب غربی تکلیف مشخصی بر عهده زوج نیست و زن باید خود به کسب درآمد و تأمین اقتصادی خویش گام بردارد. (The Family law Act, (1996): [http:// www.Opsi. \(Gov.uk/ si/si 1991/ uksi -19911211- en- 1. Htm](http://www.Opsi.gov.uk/si/si1991/uksi-19911211-en-1.Htm)) اما در اسلام نه تنها حق مالکیت و استقلال اقتصادی زن به رسمیت شناخته شده، بلکه تکالیف مشخصی در جهت حمایت اقتصادی از زنان تعیین شده است. وجوب نفقه یکی از امتیازات مکتب اسلام نسبت به سایر مکاتب، در خصوص حمایت اقتصادی و پیشگیری از خشونت اقتصادی علیه زنان است. در صورتی که نیازهای عرفی زن از طرف زوج تأمین نشود و دغدغه تأمین نیازهای اولیه اقتصادی خود را داشته باشد، زوجه مجبور به تأمین آن از راه تلاش چند برابر و ایفای نقش‌های چندگانه است و نقش کم‌رنگی در مقام مادر و همسر در خانه ایفا خواهد کرد.

۳-۲- مهریه

مهریه یکی دیگر از احکام اسلام است که به نوعی تکلیف پرداخت مالی به زوجه از سوی زوج را دربردارد. «مهر، مال (یا هر چیزی که قائم مقام مال باشد) معینی است که بر سبیل متعارف، زوج به زوجه در عقد نکاح می‌دهد یا به نفع زوجه بر ذمه می‌گیرد.» (لنگرودی، ۱۳۴۶: ۷۰۲)

اینکه مهریه چقدر میتواند نقش و سهم در تأمین اقتصادی زوجه داشته باشد و شارع از این حکم چه مقصودی (ماهیت معاوضی مهر در مقابل بضع یا صرفاً هدیه به زن) داشته، محل اختلاف است اما اصل آن مورد اتفاق علماست. مهریه حسب تعریف برخی فقها که عقد نکاح دائم را عقدی معاوضی می‌دانند، عوض بضع تلقی می‌شود؛ اما عده‌ای دیگر از آنان که نکاح را عقدی غیر معاوضی معرفی می‌کنند، مهر را هدیه‌ای الزامی از جانب زوج به زوجه می‌انگارند (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۴۵۵).

مهریه با هدف تأمین اقتصادی زنان تشریح نشده است؛ اگرچه منع شرعی برای استفاده از آن برای تأمین اقتصادی وجود ندارد. مهریه به دلیل مالیت داشتن، کارکرد تأمین اقتصادی می‌تواند داشته باشد. در مکاتب غربی الزامی بر زوج برای پرداخت هدیه دارای مالیت، به زوجه وجود ندارد و این یکی دیگر از وجوه امتیاز مکتب اسلام با مکاتب غربی در بعد حمایت اقتصادی و رفع و پیشگیری از خشونت اقتصادی است.

۳-۳- اجرت‌المثل

اجرت‌المثل در حقوق خانواده، به معنای استیفای منفعت زوج از عمل زوجه در ایام زوجیت می‌باشد؛ یعنی چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید. (تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی، مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت) در اسلام بنا به صراحت آیه ۶ سوره طلاق، به طور خاص برای شیردادن فرزند، اجرت‌المثل شیردهی برای زوجه تعیین شده است، یعنی اجر شیردهی، تأسیسی است و مستقیماً از طرف شارع بنا گذاشته شده است. اما مبنای فقهی اجرت‌المثل سایر امور زوجه در خانه، قاعده احترام مال و عمل مسلمان و عمل المسلم محترم ما لم یقصد التبرع (عمل مسلمان تا وقتی قصد تبرع نداشته باشد محترم است) است. (مصطفوی، مائۀ قاعدۀ فقهیۀ، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۲۴)

اجرت‌المثل در کنار نفقه دو ابزار حقوقی دقیق و کامل اسلام برای صیانت از حقوق اقتصادی زن و پیشگیری از خشونت اقتصادی است. برخلاف نفقه، اجرت‌المثل یک ابزار تأمین اقتصادی خاص فعالیت خانه‌داری است؛ یعنی در شرایطی که نفقه به همه زنان متأهل تعلق می‌گیرد، اجرت‌المثل صرفاً به خدمات خانه‌داری زن اختصاص دارد. اجرت‌المثل، ما به ازای اقتصادی خدمات خانه‌داری است که جزء وظایف او به شمار نمی‌آید. طبق شرایط استیفای اجرت‌المثل، کار باید به دستور زوج و با قصد عدم تبرع انجام شود و عرفاً دارای اجرت به شمار آید.

۳-۴- حق مالکیت

یکی از حقوقی که جوامع و مکاتب، در قرن اخیر، در جهت رفع خشونت اقتصادی زنان، به تلاش برای کسب آن پرداختند، حق مالکیت و استقلال اقتصادی زنان بود. دین اسلام متمایز از سایر مکاتب، از ۱۴ قرن قبل، برخلاف عقیده مردم زمان ظهور خود، استقلال زن را همچون مرد در تملک و تصرف و تمتع از اموالش به رسمیت شناخته و حق مالکیت را از جمله حقوقی می‌داند که مشترک بین زن و مرد است. همان‌گونه که مرد اختیار اموال و دارایی‌های خودش را دارد، اختیار اموال و دارایی‌های زن هم به عهده خود اوست و هیچ‌کس نمی‌تواند در تصرف و تملک دارایی‌های زن دخالت کند. استقلال در تصرفات مالی، اصل پذیرفته شده در اسلام، تحت عنوان قاعده تسلیط است که در آن هر انسانی بر اموال متعلق به خود تسلط دارد و به هر صورتی که بخواهد می‌تواند در آنها

تصرف کند و اشخاص دیگر نمی‌توانند مانع آن شوند مگر در مواردی که وی شرعا از تصرف در مال خود منع شده باشد. در این مسئله فرقی بین زن و مرد وجود ندارد (طوسی، ۱۳۵۱: ج ۳، ۲۷۲).

۳-۵- حق دسترسی به منابع و فرصتهای اقتصادی

دسترسی زن به منابع و فرصتها و منافع اقتصادی در اسلام به طور کلی مورد تایید و پذیرش است. همچنانکه در آیه ۳۲ سوره نساء صراحتاً می‌فرماید: «لررجال نصیب مما اكتسبوا وللنساء نصیب مما اكتسبن...»؛ برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است. استدلال این آیه بر واژه «اكتسبن» است. این کلمه از «كسب» به معنای «به دست آوردن فایده و منفعت» گرفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۴۳۰). مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه آورده است: «اگر مرد یا زن از راه عمل، چیزی به دست آورد، خاص خود اوست و خدای تعالی نمی‌خواهد به بندگان خود ستم کند. از این جا روشن می‌شود مراد از اکتساب در آیه نوعی حیازت و اختصاص دادن به خویش است، اعم از اینکه این اختصاص دادن به وسیله عمل اختیاری باشد نظیر اکتساب از طریق صنعت و حرفه یا غیراختیاری» (طباطبایی، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۳۵۹) بنابراین به طور کلی از منظر اسلام منعی برای دسترسی زن به منابع و فرصتهای اقتصادی همچون آموزش و اشتغال نیست؛ اما با توجه به اینکه بنیان جامعه اسلامی بر پایه خانواده است، احکام اسلامی با ملاحظه تقویت و حفاظت از مصالح خانواده وضع شده است که از جمله آن، حق اشتغال برای زوجه است. (ستایش‌پور، ۱۳۹۷: ۸) از منظر اسلام زن ستون خیمه خانواده است و مهمترین نقش او همسراری و تربیت فرزندان است. به این منظور حضور او در خارج از منزل مقید به حفظ مصالح خانواده شده و منوط به موافقت زوج است. اما حدود اختیار زوج برای محدودسازی زوجه در موضوع خروج از منزل که شامل دسترسی به آموزش و اشتغال است، محل اختلاف فقهاست. حسب نظر اکثر فقها، در صورت عدم اجازه خروج از منزل، دیگر زن حق اشتغال در بیرون از منزل را نخواهد داشت. (هدایت نیا، ۱۳۸۵: ۳۴). اما از نظر قرآن مرد باید با همسرش معاشرت به معروف داشته باشد (نساء، ۱۹) بنابراین اختیار زوج نباید منافات با معاشرت به معروف داشته باشد و مستلزم عسر و حرج زوجه شود زیرا در شریعت مقدس اسلام، حرج نفی شده است. در آیه ۷۸ سوره حج آمده است: «وما جعل علیکم فی الدین من حرج» بدین ترتیب، حق زوج در ایجاد محدودیت و کنترل رفت و آمد زوجه مطلق نیست.

برای تشخیص منافات داشتن شغل زن با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین معیار ثابتی وجود

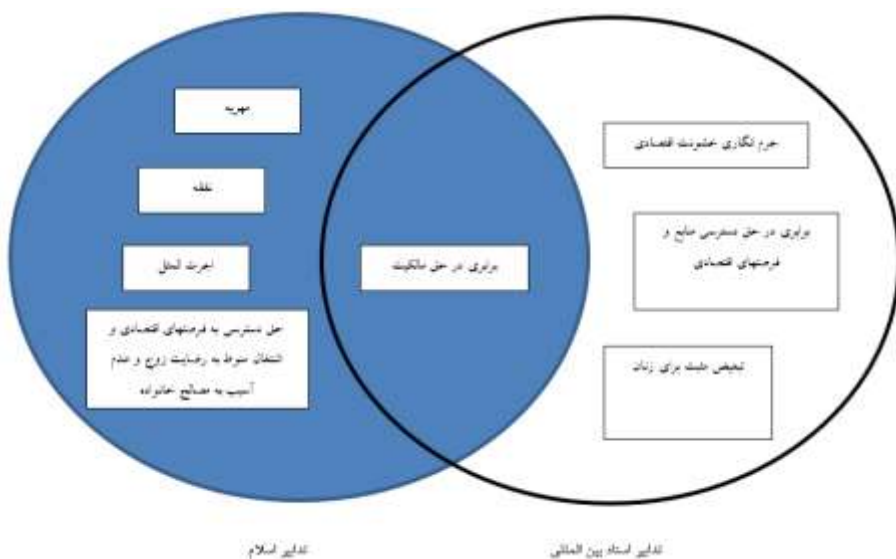
ندارد و نمیتوان چارچوب معینی را بیان نمود. معیارهای ذکر شده، نسبت به همه عرفها و اشخاص یکسان نیست و اخلاق عمومی و وضع خاص هر خانواده در این داوری موثر است. به همین دلیل ذکر مصداق ممکن نبوده و به مصلحت نمیباشد. مرجع تشخیص مغایرت شغل زن با مصالح خانواده و حیثیات زوجین دادگاه قضایی است (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۳۳).



نمودار شماره ۲: تدابیر حقوقی مقابله با خشونت اقتصادی علیه زن در اسلام

۴- مقایسه تدابیر حقوقی اسناد بین المللی و اسلام

اشتراکات و افتراقاتی بین تدابیر اسلام و اسناد بین المللی در موضوع مقابله با خشونت اقتصادی علیه زن وجود دارد. میتوان در مجموع وضعیت تدابیر اتخاذ شده در اسناد بین المللی و اسلام را در نمودار مفهومی زیر خلاصه نمود:



نمودار شماره ۳: مقایسه تدابیر حقوقی اسناد بین المللی و اسلام در مقابله با خشونت اقتصادی علیه زن

همانطور که ملاحظه می شود تدابیر اسلام و اسناد بین المللی در موضوع حق مالکیت زوجه اشتراک دارند. اسلام یک‌هزار و چهارصد سال پیش برابری زن و مرد در حق مالکیت را تبیین کرده است، در حالی که در کشورهای غربی تا سال ۱۸۷۰ میلادی هنوز زن، حق مالکیت و استقلال اقتصادی نداشت؛ بلکه مالکیت تمام اموال زن، در اختیار شوهر، بدون اذن زن، بود و خود زن نیز به دیده مال و ملک برای دیگران نگریسته می‌شد. در واقع زن پس از ازدواج، مالکیت تمام اموالش را از دست می‌داد، در عوض مرد مکلف بود معیشت زن را تامین کند. (Blake, 1982: 62) در سال ۱۸۷۰م متعاقب تحولات اساسی در قوانین کشورهای اروپایی، به زن حق قانونی داده شد تا به هر صورتی که می‌خواهد در اصل یا منافع اموال خود، به صورت مستقل تصرف و تصمیم‌گیری نماید؛ اما مرد، دیگر تکلیفی نسبت به تامین مالی زن نداشت. (Matrimonial Causes Act, 1973: <http://www.Terry.Co.uk/matcaus.Html> & Matrimonial and Family Proceedings Act, 1984: <http://jurist.Law.Pitt.Edu/paperchase/2006/05/uk-law-reform-panel-proposes-limited.php>. در اواخر قرن بیستم و با افزایش استقلال زنان که افزایش و شیوع طلاق را بدنبال داشت، نگرش قانونی نسبت به حقوق و تکالیف زن و مرد در خانواده نیز متحول شد، به طوری که مطابق قانون مصوب ۱۹۷۸ با درخواست زن نسبت به تامین مالی خانواده (زن و فرزندان) از دادگاه، عواملی مانند شاغل بودن و میزان درآمد وی، میزان

دارایی، اموال و مالکیت زن و هم چنین کمک‌های مالی دولت از قبیل حق بیمه یا حق بازنشستگی، در صدور حکم دادگاه مورد توجه قرار می‌گرفت. در این برهه از زمان، دادگاه امتناع زن از اشتغال را با بهره‌مندی از صحت و توانایی جسمی بدون عذر موجه نمی‌پذیرفت و به چنین زنی اجازه وابستگی مالی به مرد را نمی‌داد (Strachan, 1987: 150). بنابراین در کشورهای غربی در زمانی که زن به صورت محدود از حق نفقه برخوردار بود، حق مالکیت و استقلال اقتصادی نداشت و در زمانی که حق مالکیت و استقلال اقتصادی پیدا کرد، حق نفقه را از دست داد و خود متکفل تامین مایحتاج زندگی خود بود و همچنان هست. این حق، پس از سالها مبارزه با خشونت اقتصادی و جنبش‌های مردمی در جهت احقاق حقوق زن، در کشورهای غربی برای زنان حاصل شد؛ این در حالی است که از ابتدای پیدایش دین اسلام، زن در هر شرایطی حتی در صورت تمول یا داشتن اشتغال، از حق نفقه برخوردار است و این مسئله، وجه امتیاز قوانین دین اسلام از سایر مکاتب است که شرایطی را برای زن فراهم کرده که در عین اختیار مطلق نسبت به اموال خود، از حق نفقه و اشتغال نیز برخوردار است. بنابراین در اسلام تدابیر متعددی در خصوص حمایت از زن وجود دارد. موضوع حق دسترسی به منابع و فرصت‌های اقتصادی به طور کلی، مورد تایید اسلام است؛ اما در نگاه اول به ظاهر نسبت به اسناد بین‌المللی، با محدودیتی مواجه است. در این مساله، تفاوت مهمی بین اسلام و اسناد بین‌المللی وجود دارد. از منظر اسناد بین‌المللی خشونت اقتصادی تنها شامل اعمال فشار اقتصادی و عدم حمایت اقتصادی از زن نیست بلکه شامل منع دسترسی زن برای کسب درآمد، منابع مالی یا مقدمات آن نظیر آموزش و اشتغال نیز هست).

<https://eige.europa.eu/thesaurus/terms/1096> در مکاتب غربی که تحت سایه اومانیزم قرار دارد، برابری مرد و زن در جنسیت و حقوق آنها پیگیری می‌شود. بنابراین فارغ از اینکه زن و مرد چه تفاوت‌های جسمی و روحی و چه کارکردهای متمایزی دارند، باید هر دو بصورت یکسان عمل کنند (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۲۰). این برابری، در موضوع زنان متأهل موجب حذف نفقه و سیستم حمایت اقتصادی از سوی زوج شده و زوجه برای کسب منفعت اقتصادی همانند زوج باید به اشتغال در بیرون خانه بپردازد. از زاویه نگاه مکاتب غربی به موضوع حقوق زوج و زوجه، هر گونه اقدامی که از سوی زوج در جهت منع حق اشتغال و کسب درآمد زوجه واقع شود، در دایره خشونت اقتصادی است؛ اما با توجه به اینکه بنیان جامعه اسلامی بر پایه خانواده است، احکام اسلامی از جمله حق اشتغال برای زوجه با ملاحظه حفظ مصالح خانواده وضع شده است. از منظر اسلام زن

ستون خیمه خانواده است و مهمترین نقش او همسررداری و تربیت فرزندان است. به این منظور حضور او در خارج از منزل مقید به حفظ مصالح خانواده شده و منوط به موافقت زوج است؛ اما حدود اختیار زوج برای محدودسازی زوجه در موضوع خروج از منزل، مورد اختلاف فقهاست؛ اما همگی توافق دارند که معاشرت به معروف و نفی عسر و حرج در مورد زوجه باید رعایت شود؛ بنابراین این اختیار زوج مطلق نیست.

نتیجه گیری

از منظر اسناد بین المللی خشونت اقتصادی شامل هر گونه محدودیت در منافع اقتصادی یا منجر به آسیب اقتصادی به زن است. به منظور مقابله با خشونت تدابیر متعددی در اسناد بین المللی لحاظ شده است که جرم‌انگاری خشونت اقتصادی، برابری زن و مرد در حق مالکیت و حق دسترسی به منابع و فرصتهای اقتصادی و همچنین لحاظ برخی حمایت‌های ویژه از زنان از جمله آن می باشد. تدابیر اسلام در مقابله با خشونت اقتصادی به سه گروه تقسیم می شود: گروه اول نظیر پذیرش حق مالکیت زنان با تدابیر اسناد بین المللی مطابقت دارد. گروه دوم که شامل نفقه، مهریه و اجرت المثل است حمایت های خاص تدابیر اسلام است که اسناد بین المللی فاقد اینگونه حمایت‌هایی است که بر عهده زوج لحاظ شده است و گروه سوم نظیر حق دسترسی به منابع اقتصادی و اشتغال که در اسناد، مبتنی بر برابری زن و مرد است، در اسلام برای زنان جایز اما ناظر به مصلحت تحکیم خانواده است. این تفاوت در تدابیر به تفاوت در تعریف و مبانی حقوق اسلام و اسناد بین المللی در این رابطه برمی گردد. مکاتب حقوقی غرب که تحت تاثیر نگاه اومانستی است، برابری در حقوق مرد و زن را پیگیری می کند و تفاوت‌های جسمی و روحی و حقوق متناظر آن که در اسلام با عنوان عدالت در حقوق مطرح است را نادیده می گیرد.

منابع

- آمدی، ابوالفتح (۱۳۸۱). غرر الحکم و دررالکلم، محمد علی انصاری، مشهد: ضریح آفتاب، چاپ اول.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- دشتی، محمد (۱۳۸۲). نهج البلاغه، قم: انتشارات پارسیان، چاپ ششم.
- دیلمی احمد و منیژه خدادادپور (۱۳۸۷). سوء استفاده از حق ریاست شوهر در منع اشتغال همسر، مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان، دوره ۶، شماره ۲، ۱۱۱ - ۱۲۶.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق)، مفردات فی غریب القرآن، تهران، موسسه الصادق الطباعة و النشر، ۱۳۸۷، چاپ اول.
- ستایش پور، محمد و مهدوی، زهرا (۱۳۹۷). دامنه مفهومی حق زنان بر اشتغال در مشارکت سیاسی-اجتماعی: خوانش بینش حضرت امام خمینی (ره)، مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۷، شماره ۱، ۲۶-۷.
- سیفی، آناهیتا و رزمخواه، نجمه (۱۴۰۰). تامین و اجرایی شدن حق اشتغال زنان در پرتو توسعه و گسترش هوش مصنوعی، مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۲، ۱۸۰-۱۵۳.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه ق، چاپ پنجم، جلد چهارم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۵۱). المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: انتشارات بهبودی.
- کاظمی، زهره (۱۳۸۷). حمایت‌های مالی زنان در نظام حقوق خانواده، فقه و حقوق خانواده، شماره ۴۹، ۱۲۷-۱۰۷.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). حقوق خانواده، تهران: شرکت انتشار، چاپ سوم.
- لاریجانی، ساره و کریمی، احمد (۱۴۰۱). بررسی نظریه تبعیض مثبت جانانان ولف در نقد فمینیسم و رابطه آن با حقوق بشر، مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۲، ۵۰-۲۹.
- مشهدی، علی و کریمی، موسی (۱۴۰۰). حمایت از زنان در برابر خشونت در پرتو کنوانسیون بین آمریکایی پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان، مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۱، ۲۲۲-۱۹۵.
- مصطفوی، محمد کاظم (۱۴۲۱ق). مائه قاعدة فقهیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهارم.

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). نظام حقوق زن در اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق). الفقه علی المذاهب الخمسه، بیروت: دارالتیاریج جدید، چاپ دهم.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت، ج ۱۱.
- هدایت نیا، فرج‌الله (۱۳۸۵). «اشتغال زنان و مصلحت خانواده در قانون مدنی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۴، ۳۴-۱۱.
- یاوری، احسان (۱۳۹۵). سیاست جنایی اسلام در صیانت از نهاد خانواده، استاد راهنما: محمد علی حاجی ده‌آبادی، پایان‌نامه دکتری حقوق جزا، دانشگاه قم.
- Blake, S.H. 1982. Law of Marriage. Barry Rose Publishers Ltd.
- C156 Workers with Family Responsibilities Convention, International Labour Organization, 1981.
- <https://eige.europa.eu/thesaurus/terms/1096>
- <https://www.coe.int/en/web/conventions/full-list/-/conventions/rms/090000168008482e>: Council of Europe Convention on preventing and combating violence against women and domestic violence Istanbul, 11.V.2011.
- <https://www.endvawnow.org/en/articles/296-forms-of-violence-against-women>
- <https://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/ViolenceAgainstWomen.aspx>.
- https://www.un.org/en/udhrbook/pdf/udhr_booklet_en_web.pdf
- <https://www.un.org/ruleoflaw/blog/document/convention-on-the-elimination-of-all-forms-of-discrimination-against-women/>
- <https://www.unic-ir.org/hr/convenant-ec.htm>.
- <https://www.unwomen.org/en/what-we-do/ending-violence-against-women/faqs/types-of-violence>
- Matrimonial Causes Act, 1973: <http://www.Terry.Co.uk/matcaus.html>
- & Matrimonial and Family Proceedings Act, 1984: <http://jurist.Law.Pitt.Edu/paperchase/2006/05/uk-law-reform-panel-proposes-limited.php>.
- Olufunmilayo I. Fawole, 2008. Economic Violence To Women and Girls: Is It Receiving the Necessary Attention?, Journal TRAUMA, VIOLENCE & ABUSE, Vol XX, No X, Month May 21, P ۲.

- Outlaw M. 2009 No one type of intimate partner abuse: Exploring physical and non-physical abuse among intimate partners. *Journal of Family Violence*; 24(4):263–272.
- Report of the fourth world conference on women a/conf 177/20.
- Sanders CK 2015. Economic abuse in the lives of women abused by an intimate partner: a qualitative study. *Violence Against Women* 21(1):3–29.
- Strachan, B, 1987. *Matrimonial Proceedings in Magistrate Court*, London 2nd Ed.
- Stylianou AM, 2018. Economic abuse within intimate partner violence: A review of the literature, *Violence and Victims*, 33(1):3–22.
- sustainabledevelopment.un.org
- The Family law Act, 1996: [http:// www. Opsi. Gov. uk/ si/si 1991/ uksi - 19911211- en- 1. Htm](http://www.Opacity.Gov.uk/si/si1991/uksi-19911211-en-1.Htm).
- The General Assembly adopted the Declaration on the Elimination of Violence against Women (resolution 48/104), 1993.
- W.W. Norton & Company Inc, 2009, *Introduction to sociology*, 7th ed. New York.
- World Report on Violence and Health, October 3, 2002, <https://www.who.int/publications/i/item/9789241564793>.